

مقامات شیخ حسن بلغاری



تمت بحسب تحقیق

دکتر مریم رجایی
مریم رجایی نیا

www.ketab.ir



سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
فروست
شابک
وضعیت فهرست‌نویسی
یادداشت
موضوع
موضوع
موضوع
موضوع
شناسه افزوده
رده‌بندی کنگره
رده‌بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی

حسینی، مریم، ۱۳۴۱-
مقامات شیخ حسن بلغاری / تصحیح و تحقیق مریم حسینی، مریم رجبی نیا.
تهران: انتشارات دکتر محمود افشار، با همکاری انتشارات سخن، ۱۳۹۰.
۲۷۸ ص.
مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشاریزدی؛ ۲۱
گنجینه زبان و ادبیات فارسی دری؛ ۶۶.
۹-۰۴-۶۴۴۱-۶۲۲-۹۷۸
فیبا
نمایه.
بلغاری، حسن، ۶۹۸-۶۰۵ ق.
عارفان -- قرن ۷ ق -- سرگذشتنامه
Mystics -- 13th century -- Biography
عرفان -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
Mysticism -- Early works to 20th century
رجبی نیا، مریم، ۱۳۵۸-
۱۳۹۷ ح ۸ ب / ۲ / BP۲۷۹
۲۹۷ / ۸۹۲۴
۵۴۷۹۹۴۳



مقامات شیخ حسن بلغاری



تصحیح و تحقیق	دکتر مریم حسینی، مریم رجیبی نیا
گرافیسٹ، طراح و مجری جلد	کاوه حسن بیگو
صفحه آرا	زینب نورپور، ویبیری
لیتوگرافی	کوثر
چاپ متن	آزاده
صحافی	حقیقت
تیراژ	۱۱۰۰ نسخه
چاپ اول	تابستان ۱۳۹۸

ناشر

انتشارات دکتر محمود افشار

خیابان ولی عصر، بالاتر از چهارراه پارک وی، خیابان عارف نسب

تلفن: ۲۲۷۱۳۹۳۶ دورنما: ۲۲۷۱۳۹۳۶

با همکاری انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸

تلفن: ۵-۶۶۹۵۳۸۰۴ دورنما: ۶۶۴۰۵۰۶۲

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان ها

۵-۶۶۹۵۳۸۰۴



فهرست مطالب

۱۵	 مقدمه
۳۳	 مقامات حسن بلغاری
	باب اول: در احوال شیخ - قدس سره - از گاه ولادت تا وقت توبه و ذکر نسب و مولد و منشأ ایشان..... ۳۷
	باب دوم: در احوال جذبه شیخنا و سیدنا - قدس سره - و معراجی که روح ایشان را بوده است..... ۴۵
۶۵	 باب سوم: در ذکر صحبت ایشان با مشایخ - رحمهم الله
	باب چهارم: در ذکر نسبت و خرقه پوشیدن شیخ ما - قدس سره - و توبه یافتن ایشان از شیخ شمس الدین رازی که شیخ شیخ ماست - قدس الله روحه -..... ۸۹
۹۹	 باب پنجم: در ذکر واقعات شیخ - قدس سره -
۱۱۳	 باب ششم: در ذکر سفر کردن شیخ - قدس سره - به جانب اُروس و اسباب آن
۱۳۱	 باب هفتم: در ذکر سفر کردن شیخ به جانب کرمان
۱۴۹	 باب هشتم: در رسائل متفرقه که به جهت فرزندان نوشته اند
۱۷۹	 باب نهم: در شرح واقعات اصحاب خلوت از لفظ مبارک شیخ در قلم آورده شد

تعلیقات..... ۲۱۵

نمایه..... ۲۵۱

فهرست آیات..... ۲۵۳

فهرست احادیث و اقوال مشایخ..... ۲۵۷

فهرست آیات فارسی..... ۲۶۰

فهرست آیات عربی..... ۲۶۲

فهرست مثل‌ها، رسی..... ۲۶۳

فهرست اعزاء، ائمه و قبایل..... ۲۶۴

مکان‌ها..... ۲۶۷

منابع..... ۲۶۹

مقدمه

صلاح‌الدین حسن بن محمد بن علی مشهور به بلغاری (۶۰۵ - ۶۹۸)، از مشایخ صوفیه در قرن هفتم هجری قمری است. در نخجوان زاده شد، در بسیاری از شهرهای ایران و دیگر سرزمین‌ها زیست و در تبریز درگذشت. یازده ساله بود که در خوی به دیدار پیر سپیدنایل شاه را برپیر آثار معرفت را در چهره وی مشاهده نمود (زینی، ۸۸۷: بند ۵). در بیست و سه سالگی به اسارت مغولان در آمد و هفت سال از زندگی خود را میان آنان سپری کرد (همان: بند ۶، ۷، ۹۵). حسن بلغاری در شهرهای مختلف مانند اُروس (بند ۹۶)، بلغار (بند ۱۰۰)، کرمان (بند ۱۱۳، ۱۱۵-۱۱۷)، بخارا (بند ۱۰۳، ۱۰۴) و تبریز (بند ۶۹، ۱۳۱) اقامت داشت. پدرش خواجه عمر برنج‌فروش، از مشاهیر ثروتمند نخجوان بود. حسن بلغاری به دلیل اقامت طولانی در بلغار، به بلغاری مشهور شد. او نبیره شیخ عارف سمرقانی است که مقبره‌اش در قرن هفتم در درگزین همدان بوده و هم‌اکنون احتمالاً همان بنایی است که امامزاده هود یا امامزاده اظهر نامیده می‌شود و بنای آن مربوط به دوره ایلخانی است.

بنابر روایت محمد زینی، مقامات‌نویس او، حسن بلغاری از کودکی تجربه‌هایی روحانی داشته و رؤیاهایی مشاهده می‌کرده است و در سی سالگی به وادی عرفان و معرفت گام نهاده است. تجربه‌های عرفانی شیخ فراوان است.

از شستن دل وی در صحرا توسط فرشتگان (بند ۱۸) تا دیدارهای مکرر با پیامبر (ص) و دیدار با حضرت علی (ع) و ابوبکر و نوح و خضر و قارون و ... در ضمن حکایتی ماجرای دیدار شیخ در کودکی با پیر سفید و چگونگی تبرک وی می آید (بند ۵). این حکایت یادآور دیدار عطار با مولانای نوجوان در نیشابور است. شیخ در جوانی به اسارت مغولان درمی آید اما به یاری هوش و ذکاوتش می تواند کم کم آنها را در خدمت خود گیرد و به بازرگانی بپردازد. حکایت شیخ در مقامات آمده که با استناد به آنها می توان شیخ حسن بلغاری را شیخ از رنگال نامید. به نظر می رسد روی آوردن وی به عالم معرفت پس از حضور بر سر مرقد شیخ حسین پروانان بوده است. در آن مکان بر وی حالات عجیبی می گذرد که یاران از آن تعبیر به معراج روح کرد. روح وی در این سفر از آسمان ها در می گذشت و به سدره المتهی می رسید. در آنجا با ساکنان آسمان ها دیدار می کند. همانا می بیند و آواز ملائکه را می شنود (بند ۱۴). ظاهراً شیخ در محافظت انجام اعمال شرعی سختگیر بوده است و «عبارتی که خلق را در شبهه اندازد نگفتی» (بند ۱۶)

شیخ حسن دارای فراست بوده و وقایع را پیشگویی می کرده است. در حکایتی ماجرای استجابت دعای شیخ برای باریدن باران نقل می شود (بند ۱۲۰). شیخ سال ها در نواحی مختلف ایران و گرجستان امیری که شامل سرزمین های بلغار و اروس و آلبانیان می شود زیسته و به همین سبب با پیروان آیین مسیح حشر و نشر داشته است. در حکایت های شماره ۹۸ و ۹۹ کتاب چگونگی مباحثه شیخ با بزرگ رهبانان و ایمان آوردن وی و دیگر ترسایان آمده است. همچنین به دعوت شیخ، امیر مغول به وی ایمان می آورد و بر آیین مسلمانی از دنیا می رود (بند ۲۷).

در خلال برخی باب های مقامات به ویژگی های ظاهری حسن بلغاری اشاره شده است. مثلاً در باب ششم آمده است که: «روی مبارک ایشان سرخ و

سفید بود و قدی داشتندی تمام، نه بلند و نه پست و دو چشم مبارک ایشان چون دو سکوره خون بودی چنانکه هر که ایشان را دیدی از مسلمان و کافر بدانستی که از مجذوبان و برگزیدگان حق است و آواز ایشان چنان بودی که جمیع آوازهای خوش در جنب آواز ایشان پیدا نمی آمد و همچنین در هر عضوی از اعضای ایشان لطافتی بودی از حق که از جمیع خلق ممتاز بودندی» (بند ۱۰۴)

ظاهر شیخ از حافظه ای نیکو و تیز برخوردار بوده است. خاطرات و یادهای دوران کردگی و حتی نوزادی خود را یاد می کند و حتی می گوید مامایی را که او را در تشتی بسته است به خاطر می آورد. به همین سبب است که خواجه عبدالرحیم پیر رستمی وی او را از انجام دادن عبادات و ریاضات شدید باز می داشته تا مبدا خلقت حافظه وی وارد شود و از هدایت مریدان بازماند. «خواجه فرمودند چنین ریاضت، سخت بر خویش منه که این را نه به ریاضت یافتی که شما حفظ به غایت خوب دارید و اگر این ریاضت می آید که ریاضت سخت نباید که فکر شما را بسوزد و دماغ شما خال پذیرد و کسی را تربیت نتواند کرد و عزیزان از شما برخوردار نشوند. و می فرمودند که باید که هر روز شما را کاسه ای شوربا و یا گوشت بخورید تا دماغ شما را تقویت کند و تقویت یابد و حفظ شما سالم باشد» (بند ۴۸). به همین جهت ریاضت و عبادت شیخ به قاعده و بدون رنجوری بوده است.

جز همین کتاب مقامات که محمد زینی یکی از مریدان و پیروان حضرت حسن بلغاری در مورد احوال و اقوال و مکاتبات وی نوشته، مهمترین اثر برای مطالعه احوال شیخ حسن کتاب *روضات الجنان و جنات الجنان* حافظ حسین ابن کربلایی است. در این کتاب کربلایی با استناد به مقاماتی که در دست داشته اطلاعات مفیدی در مورد حسن بلغاری در اختیار خوانندگان اثر خود

می‌گذارد. برخی مطالب آن کتاب در نسخه حاضر نیست که احتمال دارد مربوط به افتادگی‌های متن نسخه باشد. به هر حال وی نسخه کاملی از مقامات را در دست داشته و از آنها به همراه سایر اطلاعاتی که فراهم آورده بود استفاده کرده و احوال وی را نگاشته است. کربلایی از مکاتیب حسن یاد می‌کند و ضمن ذکر رابطه صمیمی میان وی و علاءالدوله سمنانی به نقل نامه‌ای می‌رساند که حسن بلغاری خطاب به علاءالدوله نوشته و در آن وی را فرزند نامیده است و علاءالدوله نیز در پاسخ نامه‌ای دیگر نگاشته و ضمن خطاب وی با عنوان «ایم» تمامی مناسبات احترام آمیزی را که مریدی می‌تواند در حق پیر خود بجای آورد، در آن نامه آشکار کرده است.

هرچند کربلایی در روایات تمایل دارد که حسن بلغاری را، که دوبار در خواب حضرت علی^(ع) را دیده است (بند‌های ۸۳ و ۱۲)، متمایل به مذهب تشیع نشان دهد (ص ۱۳۵) اما مذهب صوفی وی مطابق گزارش محمد زینی شافعی است (بند ۹۶). این شیخ بزرگ پس از نود و سه سال زندگی در تبریز وفات یافت و در مقبره سرخاب تبریز به خاک سپرده شد (رمزی، ۱۹۰۸: ۳۲۸-۳۲۹؛ کربلایی تبریزی، ۱۳۴۴: ۱۲۸-۱۴۵؛ منشی کرمان، ۱۳۸۱: ۴۴، ۱۲۳؛ واعظ کاشفی، ۱۳۵۶: ۳۶۸). کربلایی محل دفن وی را نزدیک مزار بابا یزد و در دره گراب می‌داند و می‌نویسد که بر مزار وی القابش را چنین برشمرده است: «هذه الروضة للشيخ العارف المحقق، قطب العالمين، وارث الانبياء والمرسلين، اساتيدنا، قدس، ترجمان الرحمن، سر الله في الارضين، غوث البرايا، خاتم المشايخ، صلاح الحق والملة والدين، الحسن بن عمر النخجواني - قدس الله تعالى روحه وزاد لنا فتوحه -» (کربلایی، ۱۲۹).

محمد زینی، مرید و معتقد شیخ حسن بلغاری، به خواهش یاران و مریدان دیگر پیر نامه‌ای با نام مقامات شیخ حسن بلغاری درباره او به زبان فارسی

نگاشته است.^۱ این اثر دستنویسی در ۱۲۰ برگ یا ۲۴۰ صفحه است. مؤلف این اثر را با تحمیدیه‌ای در ستایش خداوند و پیامبر و صحابه‌ی آغاز می‌کند. او پس از بیان دلیل نگارش کتاب، سه قسم برای مطالب آن در نظر می‌گیرد و آن‌ها را چنین نامگذاری می‌کند: قسم نخست، در تقسیم احوال شیخ از اوّل تا آخر، قسم دوم، در مکاتبات و رسایل شیخ و قسم سوم، در شرح واقعات مریدان. بنابر گفته محمد زینی دو قسم آخر به تمامی کلام شیخ است (زینی، ۸۸۷: بند ۲). البته این تقسیم‌بندی در متن رعایت نمی‌شود و کتاب دارای نه باب است. در ابتدای باب دوم (در ذکر صحبت ایشان با مشایخ) و باب نهم (در شرح واقعات اصحاب حلوت) مقدمه‌ای عالمانه درباره‌ی موضوع فصل نوشته شده است. مقدمه باب سوم از زبان شیخ است (بند ۳۲) اما درباره‌ی گوینده مقدمه باب نهم سخنی به میان نیامده است و احتمال دارد این مقدمه به قلم مؤلف باشد (همان: بند ۱۵۸).

در این اثر فصلی مربوط به کرامات پیر در آن درج ندارد و تنها در خلال برخی حکایت‌ها به کرامت‌های مادی و معنوی پیر اشاره شده است (همان: بند ۱۱، ۲۱، ۲۲، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۷). باب دوم این اثر بیان تجارب خارجی شیخ است. باب سوم به صحبت حسن بلغاری با مشایخ اختصاص دارد و در خلال حکایات این بخش، اطلاعات مهمی درباره‌ی برخی مشایخ به خواننده داده شده است. باب چهارم در ذکر نسبت و خرقه پوشیدن و تربیت یافتن حسن بلغاری از شیخ شمس‌الدین رازی است و مؤلف معتقد است نسب خرقه شیخ حسن بلغاری به شیخ ابونجیب سهروردی می‌رسد (بند ۵۸). و باب پنجم در ذکر واقعات اوست. در خلال باب‌های دیگر نیز به واقعه‌هایی که شیخ دیده، اشاره شده است (بند

۱. پیش از این برای نخستین بار سید صادق سجادی در مقاله‌ای با عنوان «شیخ حسن بلغاری و مقامات او» به معرفی این نسخه و شرح احوال شیخ پرداخته بود (سجادی، ۱۳۸۵: ۳۳).

۲۸، ۳۱، ۴۱، ۵۷، ۶۷، ۱۰۲، ۱۰۳). برخی حکایات مربوط به بیان تجربه‌های عرفانی شیخ، به ذکر معراج وی اختصاص دارد (همان: بند ۱۴، ۱۵، ۱۸). تأویل بیشتر واقعه‌هایی که پیر دیده از زبان خودش در پایان واقعه آمده است: «واقعه‌ای می‌فرمودند که وقتی من خود را در واقعه دیدم که من بحری بودم که از هیچ جانب کنار نداشتمی الا از طرف مشرق و روی آن دریا همه چشم بودی و نکته من فرمودند که آنک از روی مشرق کنار داشت مخلوق بوده است اما آنک از - مات دیگر کنار نداشت ابدی خواهد بود و آنک همه روی دریا چشم بود، اشرف... مقام... است» (همان: بند ۸۷). مؤلف در باب آخر این اثر که یکی از طولانی‌ترین ابواب است به شرح واقعات اصحاب خلوت از زبان شیخ می‌پردازد.

دو باب ششم و هفتم مقامات به بیان چگونگی سفرهای شیخ اختصاص دارد. برخی سفرهای شیخ به دلیل دیدن واقعه‌ای است و این امر بیان گر اهمیت روی دادن واقعه برای اوست (بند ۶، ۱۰۳). باب ششم در ذکر سفر شیخ به اُرس و باب هفتم در ذکر سفر شیخ به کرمان است. در خلال این ابواب از سفرهای دیگر او به مناطق دیگر مانند بلغار، بخارا و شیراز یاد می‌شود.

باب هشتم این اثر دربارهٔ مکتوبات و رسایان است که پیر به مریدانش و افراد دیگر یا در جواب نامه‌آنها نوشته است. دو مکتوب دیگر نیز خطاب به امام بدرالدین میدانی و عزیزالدین سنگانی (بند ۹۳، ۹۴) در باب پنجم آمده است. باب نهم بابی است که در آن شیخ واقعه‌های دیگر مشایخ را جواب می‌گوید و تفسیر می‌کند. در این باب پرسش‌هایی با عبارت «چه فرمایند اندر آنک یکی چنان دید...» آغاز می‌شود و در بند بعدی شیخ به تفسیر آن واقعه می‌پردازد و به آن واقعه پاسخ می‌گوید. نظیر این باب در دیگر کتاب‌های مقامات نایاب است و مخصوص مقامات بلغاری است. به طور کلی شیخ علاقه

بسیار به تفسیر و تعبیر هر ماجرای داشته‌است تا از اجزای آن ماجرا به عنوان نشانه‌هایی برای بیان عوالم باطنی استفاده کند. در جایی به تأویل واقعه‌ای می‌پردازد که در آن صاحب واقعه آیه شکستن بتان را می‌خواند و از دو پستانش شیر جاری می‌شود یا کسی می‌بیند که از میوه ممنوعه می‌خورد و دیگری فرود آمدن ماه و ستارگان را بر روی کتفش می‌بیند.

طولانی‌ترین باب کتاب باب هشتم است که مجموعه مکاتیب و مراسلات شیخ را دربر دارد. نش این بخش پخته و رسمی است و اصطلاحات و عبارات عرفانی و علمی بسیار در آن به کار می‌رود؛ ضمن اینکه میزان آیات و احادیث این بخش نسبت به دیگر بخش‌ها بیشتر است. در این بخش هم شیخ باز به تعبیر و تفسیر وقایع می‌پردازد. بایو رتاه بل فرستادن هدایایی چون نبات و نارنج می‌نویسد:

«امروز چون واقعات مریدان نوشته شد شرح آن کرده آمد، در حال پیک شما رسید و نبات و نارنج آورد. گفتیم به وقت رسیدن و مناسبت که ما به این کار مشغول بودیم و شرح واقعات و خیالات مریدان می‌کردیم. اگر خواهند بر این نبات و نارنج، کتابی بنویسیم. وقتی مولانا رضی‌الله‌عنه سمرقندی - رحمه الله - به نزدیک ما شانه و مسواک فرستاد. گفتیم شان ما این است که از ما سوی الله مسواک کنند. اکنون تأمل کن که چندین رنج کسیده‌است که او بدین جا رسیده که نبات شده تا بدانی که کار می‌باید کرد و رنج می‌باید کشید تا به گنج برسی» (بند ۱۴۹). در میان این نامه‌ها جای نامه‌ای که حسن بلغاری در پاسخ به نامه علاء الدوله سمنانی نوشته خالی است. این نامه و پاسخ علاء الدوله به آن در مصنفات فارسی علاء الدوله سمنانی صفحات ۳۵۳ تا ۳۵۸ آمده‌است. «علاء الدوله حسن بلغاری را بسیار دوست داشته و در نامه‌هایی که

به یکدیگر می‌نوشته‌اند و اوقاتشان را به اطلاع یکدیگر می‌رسانیده‌اند» (علاءالدوله سمنانی، ۱۳۹۰: چهل و نه). در چهل مجلس علاءالدوله سمنانی به این دوستی و مکاتبات اشاره شده است:

«فرمود که شیخ حسن بلغاری را دوست داشتی و در میان ما مکاتبات بودی و اوقات خود به من نوشتی و در آخر از کرمان بیرون آمدی و خواست که اینجا آید و شنود که ما در بغدادیم و به آن طرف می‌آمد و به تبریز افتاده آنجا بماند و از محبوب به و شصت و نه سال در مقام جذبه بود که از متابعت سنت قدم بیرون نهان را این جزو نادر بود» (همو، ۱۳۶۶: ۲۱۵-۲۱۷).

در باب پنجم که ابواب اربع واقعه‌هایی که شیخ تجربه کرده، درج شده است. بیشتر این واقعه‌ها از نوع نجره‌های شبه‌حسی هستند که شیخ به پنج حس خویش آنها را ادراک کرده است: شنیدن آواز و غلغله آسمان و انبیا (بند ۷۳)، بلعیدن عالم و عالمیان (بند ۷۴)، بوسیدن پیامبر حلق و لب شیخ را (بند ۸۲) و موارد بسیار دیدار پیامبر - صلی الله علیه - و سایر پیامبران و فرشتگان جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل....

شاید از برجسته‌ترین وجوه اهمیت مقامات انجمن نام دسته‌ای بزرگ از عارفان آن روزگار است که شیخ شرف مصاحبت ایشان را داشته و درباره برخی از ایشان حکایاتی نقل می‌کند. خواجه عبدالرحیم، بابامزدک شمس‌الدین محمد رازی، شیخ فضلون، بابا فرج و شیخ محمد خسرو شاه از این دسته‌اند.

ویژگی‌های اخلاقی پیر مانند پایبندی به حدود شریعت، دوست داشتن رنگ سپید و لطف و بخشاینده‌گی شیخ در بخش‌هایی از این پیرنامه آمده است (بند ۱۶، ۲۳، ۳۱). در برخی بخش‌های این اثر از زنان یاد شده است و حتی زنان در واقعه‌هایی که شیخ می‌بیند حضور دارند (بند ۱۱۶). در باب هفتم ترکان

خاتون در زمرهٔ مریدان حسن بلغاری قرار می‌گیرد (بند ۱۱۸، ۱۱۹). در باب هشتم نیز نامهٔ لطف‌آمیز و محترمانهٔ شیخ خطاب به پادشاه خاتون درج شده‌است (۱۳۹). این اشارات جایگاه والای زن را نزد پیر نشان می‌دهد.

در بسیاری حکایت‌ها شیخ تعبیری نشانه‌ای و نمادین از اشیا و موقعیت‌ها یا رفتار اشخاص دارد. وی تلاش می‌کند تا از ظواهر حال به بواطن آن پی ببرد. برای مثال شیخ می‌تواند از حکایتی یاد کرد که شیخ همراه کاروانی بوده‌است و جزو مهتر کاروان که فقط آب تتماع برای او می‌آورد کسی به او غذایی نمی‌دهد. در این سفر کاروانیان دست رازن‌ها گشته می‌شوند جز همان که به شیخ آب تتماع داده‌است. رازن‌ها اموال او را غیر از پاره‌ای مروارید که با خود داشت، سرقت می‌کنند. شیخ در اینجا نتیجه می‌گیرد که آدمی و مروارید هر دو از آب آفریده شده‌اند و به همین جهت مروارید برای مرد بازرگان باقی ماند که به شیخ آب خورانده بود و اثر تتماع نیز از روده بود قماشش نیز دزدیده نمی‌شد. در باب سوم نیز چنین می‌گوید: شیخ فرمودند که یکی از مشایخ دو تاه نان پیش من فرستاد. یکی فطیر و یکی بامیه من راستم که آن نان بامیه اشارت به این است که آن کس تربیت مشایخ یافته‌است. نیست مریدی به ایشان درست کرده و آنک بامیه ندارد و فطیر است به منزلهٔ آن کس است که تربیت شیخ نیافته‌است و خرقه از مشایخ ندارد» (بند ۵۷).

مقدمهٔ مقامات بلغاری شاعرانه و ادبی نوشته شده‌است و مانند آثار آرایه‌هایی مانند تشبیه، تضمین از آیات، جناس و سجع استفاده کرده‌است: آن جهان را طلسم گنج معرفت گردانید (بند ۱). دست تقدیر سباط مائدهٔ علم من لدنی را برداشت و آفتاب حقیقت از آسمان به مغرب کُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ فرورفت (بند ۲). درود بی‌شمار بر صحابهٔ جانباز و اتباع و اشیاع او... (بند ۱).

اخوان صفة صفا و رقة طریقه وفا بودند (بند ۲). اما متن مقامات در بیشتر بخش‌ها نثری ساده و بی‌تکلف دارد و مؤلف آیات و احادیث فراوانی را در بخش‌هایی که از زبان شیخ نقل شده، آورده‌است. در این اثر، بیتی به زبان عربی سروده ابوالعاهیه (بند ۱) و بیتی از اخطل (بند ۱۵۲)، و چند بیت فارسی از فردوسی (بند ۱۴۷)، سنایی (۳۲، ۱۵۵، ۱۵۶)، نظامی (بند ۱۴۸) و شاعرانی ناشناس دیگر می‌شود (بند ۴۵، ۵۴، ۶۲، ۹۲، ۱۲۵، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۴۸، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۸۱، ۱۸۲). این بیت مشهور سنایی «سال‌ها باید که تا یک سنگ اصلی ز آفتاب آملی گریزد در بدخشان یا عقیق اندر یمن» که در بیشتر کتب ضبط شده‌است در آغاز بخش دوم کتاب می‌آید.

وجود الفاظ و روش‌هایی که احتمالاً از زبان ترکی و ترکی مغولی یا تاجیکی به متن راه پیدا کرده‌اند؛ از جمله «ورد اقا» (۳۴)، «دسپانه» (بند ۳) و «شیو» (بند ۱۲۷)، ۱۶۸) نثر کتاب را خواندنی و جالب کرده‌است. در مقامات بلغاری تعدادی ضرب‌المثل آمده که گویا بر زبان شیخ بهاری آمده‌اند. ضرب‌المثل‌هایی چون آواز دهل شنیدن از دور خوش است (بند ۳۵) یا اگر در خانه کس است یک حرف بس است (بند ۱۸۹). همچنین در این پیرنامه، اصطلاحات، تعبیرات و کنایاتی خاص و تازه از زبان شیخ یا دیگر مشایخ ذکر شده‌است؛ مانند «مان گشودن دال دعوی، لب بر هم نهادن میم معنی، وجود نمک صدق در خدا» (بند ۳۵، ۳۶) و امثال آن. در جایی نیز برای توضیح حال روحانی از اصطلاحات تجاری و بازاری استفاده کرده‌است: «و شیخ - قدس سره - می‌فرمودند که مرا حالتی در سماع پیدا شد. وقت باشد که آن حالت همه روحی باشد یعنی هیچ نفس را در وی مداخل نبود و این نادر بود. اما بیشتر آن بود که ممزوج بود، چنانکه بعضی را نیمه‌ای حال روحانی بود و نیمه نفسانی و بعضی را چهاردانگ روحانی بود

و دو دانگ نفسانی و بعضی را پنج دانگ روحانی بود و دانگی نفسانی و علی
هذا القیاس عکس این» (بند ۴۶).

شیخ در سخنوری طنازی‌هایی دارد که در جای خود خواندنی و شنیدنی
است. برای مثال وقتی جماعتی برای تفحص حال وی به مسجد جامع شهر
می‌آیند وی برای ایشان سه کرامت از کرامت‌های خویش را بازگو می‌کند.
یکی آنکه اگر کسی چیزی در دست گرفته باشد تا آن را به من ننماید و دست
باز نکند، من ندانم که آن چیست و دیگر آنکه اگر کسی در پس دیواری باشد
تا از آنجا به نزدیک من نیاید و در مشافهه نایستد، من ندانم که کیست و دیگر
آنکه اگر در دیگری ریزی بخته باشند تا سر آن را برنگیرند، من ندانم که در
وی چیست.

مقامات شیخ حسن بلغاریه منع از شمنند برای شناخت عارفی است که
در دوران حکومت و سلطهٔ مملوکان، در ایران زیسته و سال‌ها با ایشان به
صورت‌های مختلف حشر و نشر داشته است. از طریق این مقامات نه فقط
زندگی‌نامهٔ عارفی از قرن هفتم هجری با ویژگی‌های منحصر به فردش به
دست می‌آید، بلکه می‌توان اطلاعاتی در مورد تاریخ و جغرافیای آن دوران و
عالمان و بزرگان آن کسب کرد.

مشخصات دستنویس مقامات بلغاری

مقامات شیخ حسن بلغاری به خط نستعلیق ریزی نگارش یافته است. دوران
قسم‌ها و سرلوحه‌های دیگر با جوشه نوشته شده‌اند با چرمی قهوه‌ای رنگ
ساخت ماوراءالنهر (موجانی، ۱۳۷۷: ۲۲۹). این اثر به شمارهٔ ۴۰۳۶ در انستیتوی
آثار خطی تاجیکستان نگهداری می‌شود و دارای ۱۲۰ برگ است که صفحات
سمت راست و چپ هر برگ با حروف الف و ب نشان‌دار شده‌اند.